خراسان رضوی

صفحه آخر

دوشنبه
۴ اردیبهشت ۱۳۹۶
۲۶ رجب ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۴۸

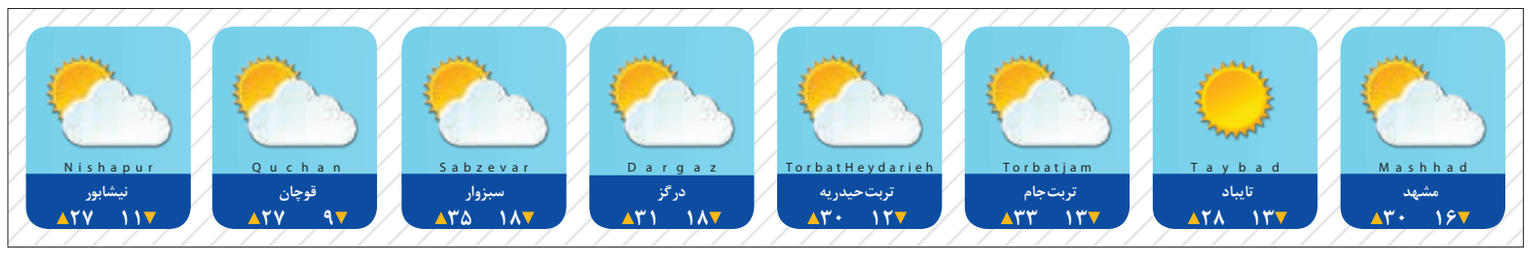

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق (ع)

هر کس برای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمان ها به بزرگی یاد شود و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد.

الذریعه الی حافظ الشریعه (شرح اصول کافی) ج ۱، ص ۵۶

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
اگر مستم و اگر دیوانه ام، از مقیمان این آستانه ام
آشنایی با خود ده که از کاینات بیگانه ام
الهی!
تا به تو آشنا شدم، از خلق جدا شدم
در دو جهان شیدا شدم، نهان بودم و پیدا شدم.
نی از تو حیات جاودان می خواهم
نی عیش و تنعّم جهان می خواهم
نی کام دل و راحت جان می خواهم
هر چیز رضای توست آن می خواهم

شاعران خراسانی

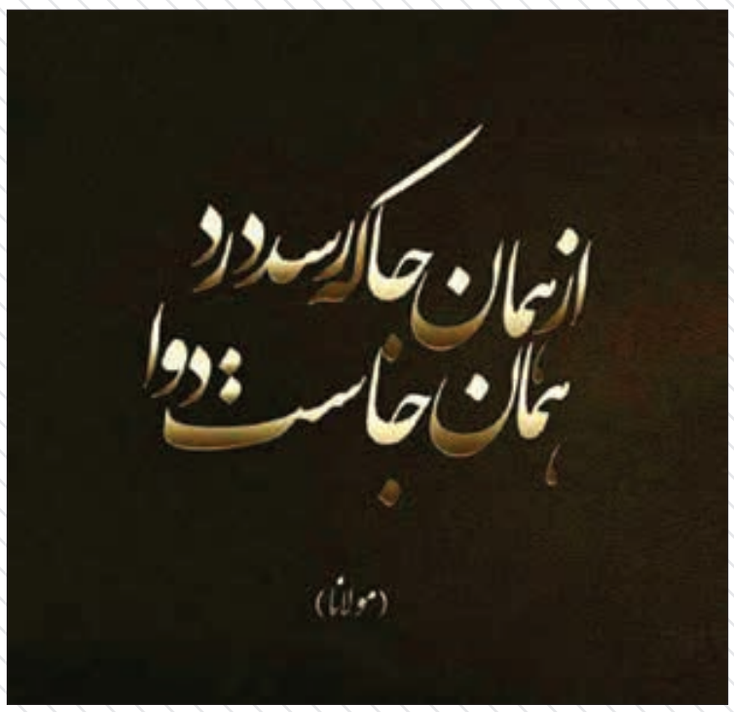

نمای تاریخی

نمایی بی‌نظیر از حرم مطهر رضوی (خیابان تهران) - سال ۱۳۴۹

عکسی قدیمی از حرم امام رضا(ع)

خراسان به روایت خراسان

۴ اردیبهشت ۱۳۵۷

شکسته‌بند محلی باعث قطع دست یک جوان شد

۳۹ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: در جریان یک مسابقه کشتی دوستانه که بین دو جوان از اهالی قریه دوغابی واقع در ۱۲ کیلومتری قوچان برگزار می‌شد، هنگام گلاویز شدن، یکی از کشتی گیران که جوان ۲۰ ساله‌ای به نام حسن بود، به زمین خورد و دستش از ناحیه بازو شکست.

قدرت، عموی جوان مزبور که در قریه به کار شکسته‌بندی اشتغال دارد، پس از اطلاع از جریان، دست شکسته برادرزاده‌اش را تحت مداوا قرار داد و پس از به اصطلاح جا انداختن دست وی، آن را بست و دستوراتی هم داد.

از طرف دیگر، دایی وی نیز که بنا به ادعای خود در امر شکسته بندی و جا انداختن دست بهتر از قدرت است، برای ادامه معالجه دست خواهرزاده خود و بهبودی زودتر آن دستور داد تا مقداری نفت را روی دست او و در دست در محل شکستگی بریزند. این کار را هم کردند و او را در منزل بستری نمودند.

جوان مزبور که اکنون در بخش سوانح یک مرکز پزشکی در مشهد بستری می‌باشد گفت: پس از این جریان، لحظه به لحظه درد دستم شدت بیشتری پیدا می‌کرد تا جایی که دیگر نمی‌توانستم این همه درد را تحمل کنم. ناچارا از بستگانم خواستم که مرا نزد پزشکی ببرند.

پدر و مادرم مرا با اتومبیلی به قوچان منتقل کردند و نزد پزشکی بردند. پزشک بعد از باز کردن دست و معاینات لازم اعلام داشت که استخوان دست در نتیجه معالجه غلط و گذشت زمان سیاه شده و امکان معالجه آن در حال حاضر در قوچان میسر نیست. از این رو مرا به مشهد فرستاد. پدرم مرا همراه با معرفی نامه ای که از بیمارستان قوچان در دست داشت به مشهد آورد و به یکی از بیمارستان های این شهر منتقل کرد.

حسن در ادامه بستری شد و پزشکان جراح و متخصص بخش سوانح پس از معاینات لازم اعلام داشتند که دست وی غیر قابل علاج می باشد و برای جلوگیری از پیشروی و سیاهی استخوان آن ناچارند که دست او را از ناحیه بازو قطع کنند.

جوان نامبرده پس از تهیه مقدمات لازم، به اتاق عمل منتقل گردید و تحت یک عمل جراحی قرار گرفت و دستش از ناحیه بازو قطع شد.

این اولین باری نیست که ناشی گری یک شکسته بند بی تجربه باعث قطع دست یا پای شخص یا اشخاصی می شود و قطعا در صورتی که مسئولین امر جلوی این گونه افراد ناشی و شکسته بندهای قلابی و ناوارد را نگیرند، این آخرین دستی نخواهد بود که قطع می شود.

آدم ها، قصه ها

صالحی

«امین تارخ» در گفتگو با خراسان:

ورود به عالم حرفه‌ای هنر سخت است و ماندگاری دشوارتر

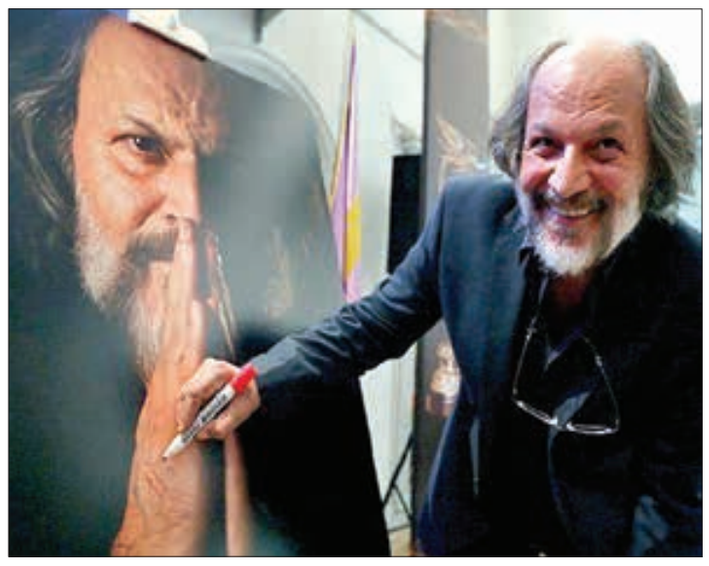

از جرگه بازیگرانی است که در دهه ۶۰، چهره اش بر پرده سینما، فروش هر اثری را تضمین می کرد. «امین تارخ» که روزگاری جوان اول سینمای ایران بوده، در اوج محبوبیت هم انتخاب هایی گزیده داشته است. او باور دارد که احترام امروز جامعه به نسل او، از بابت عشقی بوده که آن‌ها به هنر داشتند و همان هم نقبی زده است به دل این مردمان.

اما تارَخ را که در نقش‌های متفاوت آثار سینمایی بهرام بیضایی، علی حاتمی، مسعود کیمیایی، رسول صدرعاملی و داریوش مهرجویی درخشیده، مردم عمدتا با ابن سینای سریال کیهان رهگذار به یاد می‌آورند. نقشی که خود او هم از بازی در آن لذت برده و برایش ماندگار شده است. با این بازیگر برجسته که به بهانه افتتاحیه نمایش «پرنده و فیل» به مشهد سفر کرده بود، از فراز و فرودهای عرصه هنر و تجارب او در این حوزه گفتیم و شنیدیم:

روایت زندگی هم محله‌ای داش آکل

تارخ، فرزند پنجم خانواده‌ای ۱۲ نفره است که در مردادماه گرم ۱۳۳۲، در محله «سر دزک» یکی از قدیمی‌ترین محله‌های شهر شیراز چشم به جهان گشود. خودش آن را محله داش آکل (ساخته مسعود کیمیایی) می‌خواند و از بعضی سختی‌های ایام کودکی و نوجوانی این طور تعریف می کند: پدرم نظامی بود و در همان روزهای کودکی، به شهرستان خاش سیستان و بلوچستان نقل مکان کردیم. منطقه‌ای محروم، دورافتاده و مرزی با امکانات حداقلی که چهار ساعت در روز بیشتر برق نداشت. آن هم در حالی که گرما بیداد می کرد.

سال‌های دور تحصیل را هم این گونه به یاد می‌آورد: سال نخست تحصیلم را در شهر شیراز بودم. از کلاس دوم تا چهارم ابتدایی در شهرهای خاش و زابل ادامه تحصیل دادم. پنجم ابتدایی به شیراز برگشتیم و یک سال دوره ششم ابتدایی را هم در شهر اصفهان گذراندم و بالاخره در مقطع متوسطه به شیراز برگشتیم و من در مدرسه حیات دیپلمم را گرفتم. در سال ۱۳۵۱ در رشته تئاتر دانشگاه تهران پذیرفته شدم و دوره تحصیلات تکمیلی خود را هم در سال ۱۳۶۳ با کسب مدرک فوق لیسانس در رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه هنر (فارابی سابق) به پایان بردم.

جز او، عضو دیگری از خانواده به امور هنری اشتغال ندارد. درباره کشف استعداد و ورودش به دنیای هنر و بازیگری می گوید: در دبیرستان حیات، فعالیت‌های فوق برنامه، جدی گرفته می شد. در مدرسه، ناظمی داشتیم که علاقه‌مند به فعالیت‌های هنری بود، به همین دلیل انجمن‌های گوناگون تئاتر، نقاشی، خطاطی و... را تشکیل داد. شانس این را داشتم که در همان دوران، با چند تن از هنرمندان پیشکسوت شیراز نمایشنامه کار کنم. در مقطع سوم متوسطه، در اولین نقشم، نوجوانی کوروش کبیر را بازی کردم. ایفای نقش در نَمایشنامه «افعی طلایی» علی نصیریان گام بعدی من بود. سپس، نمایش‌های «چوب به دست‌های ورزیل» غلامحسین ساعدی و نمایشنامه «والپن» اثر بن جانسون را کار کردم و تا پایان دوره متوسطه حداقل در شش تئاتر حضور داشتم. در کلاس چهارم متوسطه به عنوان بازیگر برتر، به نمایندگی از استان فارس انتخاب شدم و به اردوی راسمر رفتیم.

اشتباهات را از هنر قلم بگیریم، چیزی باقی نمی‌ماند

از استادان بازیگری خود می گوید: در شیراز، استادانی مانند مرحوم محی الدین لایق، حمید مظفری و احمد سپاسدار داشتم. از وقتی که به تهران آمدم، از دکتر محمد کوثر از جمله، استادان مجرب تئاتر آمریکا بسیار آموختم و هر چه دارم و ندارم از اوست.

وی ادامه می دهد: در پایتخت، هنرهای نمایشی را با نمایش «لورنزاچیو» اثر آلفرد دوموسه پی گرفتم. نمایش‌نامه‌های «هنری چهارم» را در قالب تله تئاتر، «اتللو» و پیس «زن نیک ایالت سچوان» را به کارگردانی استاد کوثر در قالب تئاتر دانشجویی روی صحنه بردیم. البته نمایش‌نامه‌هایی از جمله الکت، بکت، لازارتی، مرگ یزدگرد و... را هم با کارگردان‌هایی مانند جعفری و بیضایی به اجرا درآوردیم.

این هنرمند برجسته بعد از انقلاب هم در «مرگ یزدگرد» ساخته بهرام بیضایی، به عنوان اولین فعالیت سینمایی ظاهر می‌شود و با سریال‌های شاخص «سربداران» و «بوعلی سینا» روی آنتن تلویزیون گُل می کند و بیش از پیش شناخته می‌شود. کارنامه بازیگری تارخ پُر و پیمان است «۳۰ اثر سینمایی، ۱۹ سریال و نیز حدود ۳۰ تئاتر حرفه‌ای در تهران.» او همیشه آرزو داشته، نقش «کالیگولا» نوشته آلبر کامو را جان بخشی کند ولی هیچ وقت فرصت آن پیش نیامد. وی اضافه می کند: با این وجود همه نقش‌هایم را دوست دارم، چه آن‌ها که از نظر مردم موفق بوده و چه آن‌ها که موفقیت نسبی کسب کرده‌اند. به نظرم، هیچ هنرمندی را نمی‌توان یافت که همه آثارش بدون خطا باشد اما همه آنها تجربه هستند. اشتباه یا ضعف، بخشی از تلاش و تجربه گرایی برای رسیدن به پختگی است و اگر این بُعد از عرصه هنر حذف شود دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

از مشکلات هم لذت ببریم

این چهره مطرح سینما و تئاتر کشور یادی می کند از دوران جوانی‌اش و به بهانه آنچه امروز جوان‌ها برای نامدار شدن از سر می گذرانند، از تجربه های دیروز خود می گوید: دوره جوانی و دانشجویی‌ام با همه سختی‌هایش به خوبی گذشت، چون از نظر آموزشی و فعالیت هنری شرایط ایده آلی داشتم، انگار در مسیری قرار گرفته بودم که «اصل» من را شکل می داد. با وجود اینکه مشکلات اقتصادی و مالی فراوانی پیش رو داشتم، اما همین که تئاتر کار می کردم، برایم کافی بود و باور داشتم که به تمام آرزوهایم رسیده‌ام. تارخ باور دارد که بسیاری از بازیگران هم‌نسل او، اگر در خاطره‌ها ماندگار شدند و هنوز هم مردم به احترام نامشان از جای برمی خیزند، از بابت علاقه و ارادتی بوده که به حرفه بازیگری داشتند و به بیان بهتر، آن‌ها را به دل مردم راخوب پیدا کرده بودند.

وی ادامه می دهد: من و بسیاری از هنرمندان آن دوران، تئاتر را با هدف رفتن به سینما دنبال نمی کردیم. البته بعدها، پیشنهادهای سینمایی و تلویزیونی نیز دریافت کردیم اما اصل برایمان کسب مهارت در ریشه و بطن هنرهای نمایشی بود. آن روزها، تلخ و شیرینی‌ها در کنار هم معنا داشت. از همان اول، نگاهم این بود که از معضلات این حرفه نباید فرار کرد و به عبارتی باید مشکلات آن را تحمل کرد و متقابلا لذت برد. تارخ با بیان اینکه هر مدیوم جذابیت‌های خاص خودش را دارد، خاطرنشان می کند: یک بازیگر نمی‌تواند ادعا کند، فقط عرصه تئاتر را می‌پسندد و سریال و فیلم سینمایی کار نمی کند. اگر چه تئاتر لذت خاصی برای هر بازیگر دارد، اما در تلویزیون و سینما نیز رسیدن به یک تجربه خوب، می تواند لذت بخش و ارزشمند باشد و هر کدام از این حوزه ها جایگاه خود را دارند. کار هنرمند، فقط بازیگری است، چه در تئاتر و چه در تلویزیون و سینما؛ تنها باید گزیده انتخاب و کار بکند. یک بازیگر، باید این حقیقت را درک کند که اگر ورود به عرصه کار حرفه‌ای هنر سخت است، ماندگاری در آن دشوارتر خواهد بود. زیرا رقابت در آن حرف نخست را می‌زند. از این منظر، مراقبت از بیان، صدا، فکر، خلاقیت، تخیل، تمرین، دیدن فیلم، به روز بودن، مطالعه کتاب و دیدن تئاتر جزو ملزوماتی است که از او یک فرد موفق می سازد.

یادداشت

مصطفی محمدیون

دبیر کل جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

نبود برنامه‌ریزی و سازماندهی صحیح آفت مدیریت بحران در کشور

در ماه گذشته کشورمان با غافلگیری های متعددی در حوزه بلایای طبیعی مواجه بود. اگر چه بعد از وقوع هر کدام از این حوادث، روند امداد با سرعت هر چه تمام‌تر انجام گرفت اما هنوز بعضی از غافلگیری ها یا حجم خسارت ها گواه آن است که در امر پیشگیری به ضعف هایی دچار هستیم. باور داریم که مبحث مدیریت بحران تنها به امدادهای بعد از حادثه خلاصه نمی شود و حتما پاره‌ای دوراندیشی های پیش از وقوع، به کاهش خسارت ها و تلفات منجر خواهد شد.

حساسیت موضوع و وقوع بحران ها اعم از طبیعی و دست ساز بشر چه به صورت ناگهانی و چه تدریجی، در کلانشهرهای مختلف با جمعیت بالا، تمرکز مراکز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و یا حتی شهرهای کوچک و روستاها (که دارای بافت مسکونی عمدتا فرسوده و غیر کارشناسی هستند) زیاد است چرا که وقوع حوادث مختلف به واسطه ظرفیت های موجود، آثار تخریبی بر منافع و اهداف ملی می گذارد. لذا در وهله اول توجه جامع و پیشگیرانه مسئولان را بیش از پیش خواستار هستیم.

آنچه ضروری به شمار می آید و باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، این است که اصل باید بر پیشگیری باشد و پیشگیری مقدم بر درمان شناخته شود. همان گونه که در مراحل مدیریت بحران تصریح شده، دستگاه های مرتبط باید وظایف خود را در هر مرحله به درستی و با رویکرد کاهش حوادث به اجرا درآورند. پیشگیری، آمادگی، مقابله، بازسازی و بازتوانی مراحل مدیریت بحران را شامل می شوند که هر کدام در جایگاه خود قابل توجه هستند. مرحله پیشگیری، جلوگیری از وقوع حوادث و به حداقل رساندن آثار زیان بار آن را دنبال می کند و ریسک های موجود در جامعه باید تا سطح قابل قبول و پذیرش تقلیل یابد و در مرحله آمادگی با اقداماتی نظیر تمرین و مانور، سازماندهی امکانات و منابع، باید توانایی مقابله با بحران ها و حوادث افزایش یابد. در مرحله مقابله و بعد از وقوع حوادث، هدف نجات جان و مال انسان ها و جلوگیری از گسترش خسارت بوده و در آخرین مرحله بازسازی و بازتوانی و بازگرداندن آسیب دیدگان به شرایط طبیعی و عادی است.

وقوع بعضی حوادث به مایادآوری می کند که جامعه چقدر آمادگی مقابله و مواجهه با آن را دارد و دستگاه های مختلف و مرتبط در امر مدیریت، چگونه ظاهر می شوند. گاهی یک اتفاق در قلب شلوغ ترین مراکز جمعیتی رخ می دهد. مثلا حادثه پلاسکو که ساختارهای اجتماعی، عمرانی، سیاسی و امنیتی کشور را در گیر خود کرد و به رغم تلاش های انجام گرفته، آنچه در عمل شاهد بودیم از عدم آمادگی مسئولان ذی ربط برای مواجهه با حادثه ای در این ابعاد حکایت داشت. در بلایای طبیعی متعدد دیگری نیز همین غافلگیری را شاهد بودیم.

باید اذعان کرد که متاسفانه در مواجهه با بلایای طبیعی جدیت لازم وجود ندارد و پس از وقوع حادثه هر سازمانی می خواهد توپ تقصیر را به زمین دیگری بیندازد. به عبارت دیگر یکی از مشکلات اساسی که در مواجهه با حوادث غیر مترقبه به چشم می خورد، نبود برنامه ریزی و سازماندهی صحیح به منظور مقابله با حوادث و آماده سازی برای کنترل بحران است که این امر با فشار افکار عمومی به گریز از پذیرفتن مسئولیت منجر می شود. باید تاکید کنیم که عدم هماهنگی دستگاه ها و سازمان های متولی مهار بحران، می تواند بر ابعاد آن بیفزاید. این مسائل خود موجب طولانی شدن روند مهار مشکلات، مدیریت شرایط و تحمیل خسارات فراوان روانی، اقتصادی و امنیتی خواهد شد. پس مهم ترین مقوله برای جلوگیری از چنین تجاربی، پذیرش مسئولیت و داشتن برنامه است. با توجه به دغدغه های جدی که ذکر شد، مبحث آموزش باید سرلوحه رویکردها و ماموریت های مسئولان و دستگاه های مربوطه قرار گیرد. صدا و سیما و رسانه ها باید به حوزه آموزش برای مواجهه با حوادث طبیعی به عنوان یک واقعیت جدی و اجتناب ناپذیر ورود پیدا کنند و در این زمینه فرهنگ سازی لازم را انجام دهند. تبعا بخشی از آموزش ها هم باید بر معرفی عوامل پیشگیری از حادثه یا کاستن از تبعات آن، تکیه داشته باشند. در حال حاضر تعداد نیروهای رسمی جمعیت هلال احمر ۱۰ هزار نفر و تعداد نیروهای داوطلب ۵۰ هزار نفر است اما متاسفانه در خصوص وقوع حوادث در کل کشور همگان چشم به جمعیت هلال احمر دوخته اند و خیالشان آسوده است که این جمعیت باید به عنوان ناجی و کمک رسان وارد میدان شود و تمامی مسائل را سامان دهد اما واقعیت امر این است که جمعیت هلال احمر به تناسب توان خود، امکان امدادرسانی دارد و این ظرفیت در حال حاضر، در تناسب با نیازهای موجود نیست. بودجه سازمان هلال احمر در شرایط فعلی مطلوب است اما این بودجه برای اجرای عملیات در ابعاد کلان باید ارتقا پیدا کند. در حال حاضر تعداد بالگردهای سازمان هلال احمر ۲۴ فروند است که این تعداد باید به ۴۰ فروند افزایش یابد. به طوری که هر استان باید حداقل از یک بالگرد امدادی برخوردار باشد. خوشبختانه مسئولان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای ارتقای توان این جمعیت، گام هایی برداشته اند و خانه ملت، لایحه مدیریت بحران را به منظور ارتقای امکانات در این بخش در دستور کار دارد.

در پایان باید اذعان کرد که عدم آشنایی و آمادگی مردم در مواجهه با این بلایای طبیعی تشدید کننده آثار سوانح است. همچنین عدم شناسایی و پیش بینی بحران ها توسط مسئولان ذی ربط موجب گسترش دامنه آن و نیز تبعات اقتصادی، سیاسی و... می شود. از این رو جراید و رسانه ها نیز باید هشدارهای لازم را در قالب آموزش به شهروندان ارائه دهند و به نمایندگی از مردم نیز نقش مطالبه گری ایفا کنند و نهایتا عملکرد دستگاه ها را مورد نقد و ارزیابی قرار دهند.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

عکسی از طبیعت زیبای از غد

رضا عطاران بازیگر در تازه ترین پست اینستاگرامی اش، تیزر تازه‌ای از فیلم «نهنگ عنبر ۲» منتشر کرد.

رضا عنایتی بازیکن سابق استقلال در تازه ترین برنامه تمرین این تیم حضور یافت تا از چند بازیکن امضا بگیرد. او در برنامه خندوانه قول داده بود ۱۰ توپ با امضای بازیکنان این تیم را در اختیار رامبد جوان قرار دهد تا او این توپ‌ها را به ۱۰ کودک بدهد.

ساعد سهیلی، بازیگر و پسر سعید سهیلی کارگران «گشت ۲» با به اشتراک گذاشتن این عکس، با ماجرای ساخت سریالی این فیلم سینمایی و احتمال تداوم آن شوخی کرد.